

جایگاه ایران در تجارت جهانی

صبر کنید تا ما هم برسیم!

شرایط موجود، عضویت ایران در WTO سخت تر و پیرویه آن طولانی تر شده باشد.

با تصویب برنامه جامع توسعه صادرات کشور در سال ۸۳ و سند چشم انداز، پیش بینی ها حاکی از آن است که در صورت تعامل و پیوند با اقتصاد جهانی، متوسط رشد سالانه اقتصاد کشور طی ۲۰ سال آینده، ۸/۶۳ درصد و متوسط نرخ تورم به ۵ درصد خواهد رسید. این در حالی است که جامعه و اقتصاد ایران که از نظر حجم، کمتر از یک درصد جامعه جهانی را به خود اختصاص داده و اقتصاد آن حتی از نیم درصد تأثیرگذاری هم برخوردار نیست، خود بخشی کوچک و پاره سیستمی از اقتصاد و تجارت جهان است.

جایگاه کنونی ایران در عرصه تجارت جهانی و روند آن، نظر و عقیده آن دسته از اقتصاددانان کشور که سند چشم انداز را به سند آرزوها تعبیر کرده اند، به حقیقت و واقعیت نزدیک می سازد. بروز بحران های



سیاسی داخلی و فشارهای سیاسی و اقتصادی خارجی از جمله تحریم های شورای امنیت سازمان ملل متحد، دولت ایالات متحد آمریکا و کشورهای بزرگ اتحادیه اروپا و آثار و عواقب منفی اینگونه اقدامات، باعث گردیده که ایران از برخی تحولات مهم بین المللی، نظیر جهانی شدن تجارت، سرمایه گذاری خارجی، توسعه فن آوری اطلاعات و ارتباطات و توسعه صادرات به دور مانده و نقش و جایگاه شایسته ای در اقتصاد و تجارت جهانی نداشته باشد.

بر اساس آمار و ارقام سازمان های بین المللی همچون برنامه توسعه سازمان ملل متحد (UNDA)، بانک جهانی و مؤسسه مالی بین المللی (IFC)، درآمد سرانه هر ایرانی در پایان سال ۲۰۰۶ حدود ۳ هزار و ۶۶۸ دلار و کل محصول ناخالص ایران ۲۸۰/۳ میلیارد دلار بوده است. ایران از نظر درآمد سرانه، جایگاه هفتاد و دوم را در بین کشورهای جهان به خود اختصاص داده و این در حالی است که سرانه محصول ناخالص داخلی کشورهای توسعه یافته ۳۳ هزار دلار و برای کشورهای در رده های میانی ۶ هزار و ۵۳۰ دلار است. اگر بنا باشد که محصول ناخالص داخلی کشور در ۱۰ سال آینده به ۲

دیدگاه دکتر بهروز اخلاقی، دانشیار سابق دانشگاه تهران، وکیل دادگستری، مشاور حقوقی و عضو هیأت تحریریه ماهنامه «اقتصاد ایران»

امروزه دامنه جهانی شدن به طور عام و جهانی شدن اقتصاد و تجارت به طور خاص، بسیار گسترده شده و بر حسب ابعاد مثبت و منفی آن، موافقان و مخالفانی نیز پیدا کرده است. از دیدگاه برخی، جهانی شدن اقتصاد، بارزترین و مشخص ترین نمود جهانی شدن به شمار می آید. به عبارت دیگر، جهانی شدن اقتصاد از گستردگی، سرعت عمل و تأثیرگذاری بیشتری برخوردار است. وجه غالب اقتصاد در فرایند جهانی شدن به گونه ای است که ابعاد سیاسی، فرهنگی و اجتماعی آن تحت تأثیر بُعد اقتصادی شکل گرفته است.

امروزه متوسط تعرفه در سطح جهانی ۳/۶ درصد است، در حالی که بیش از ۴۰ درصد تجارت جهانی از هرگونه تعرفه معاف است. این تحولات با تلاش و کوشش جمعی و کاملاً تدریجی، طی نیم قرن اخیر به دست آمده است. به تعبیر برخی از اقتصاددانان کشور ما، نمی توان این تحولات عظیم را صرفاً یک توطئه استعماری و استکباری از سوی کشورهای سرمایه داری تلقی نمود. مهمترین اثر جهانی شدن تجارت آزاد و رقابت بازار طی ۵۰ سال اخیر ۶ برابر شدن محصول ناخالص داخلی کشورهای رقابت کننده، در کنار ۱۲ برابر شدن تجارت جهانی و ۲۳ برابر شدن صادرات کالاهای صنعتی است. تنها در دوره ۸ ساله اخیر، پس از مذاکرات دور اروگوئه، سطح قیمت ها در کشورهای رقابت کننده ۳۰ تا ۵۰ درصد کاهش یافته و این تحول، به معنی افزایش کیفیت سطح زندگی، رفاه و قدرت خرید قشرهای مختلف مردم - به ویژه طبقه پایین - از نظر ثروتی و درآمدی است.

درد یا درمان؟

اگرچه به ادعای بعضی از اقتصاددانان طرفدار جهانی شدن، این فرایند به نفع کشورهای جهان سوم نیز می باشد، ولی عده قابل توجهی آن را - حداقل در کوتاه مدت - به زیان این کشورها دانسته و شمار اندکی نیز کشورهای در حال توسعه را بازندگان فرایند جهانی شدن می دانند. مایک مور، رییس پیشین سازمان تجارت جهانی (WTO) بر این عقیده است که مشارکت کشورهای فقیر در فرایند جهانی شدن، به نفع کشورهای پیشرفته است. برخی نیز با ارزیابی جنبه های مثبت و منفی، این چنین نتیجه گیری کرده اند که کشورهای جهان سوم، فقط در مواردی که از آمادگی کافی برخوردار باشند، زبانی از این فرایند نخواهند دید. این گروه مفهوم آمادگی را به بسیج عمومی و نهادی و توانمندسازی افراد و تشکیلات متولی امر اقتصاد تعبیر می کنند که هر دولتی آن را سرلوحه برنامه خود می داند.

از جنبه های جهانی شدن که بگذریم، آنچه در فرایند فعلی جهانی شدن بیش از هر چیز دیگر جلب توجه می کند و به روندی بازگشت ناپذیر تبدیل شده، گسترش شگرف و بی سابقه تجارت جهانی است. امضای موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت موسوم به «گات» (GATT) و تبدیل این نهاد به سازمان تجارت جهانی (WTO) پس از طی فرایندی سخت و طولانی، بیانگر اهمیت و جایگاه ویژه این نهاد در برقراری تجارت آزاد و ایجاد همبستگی تجاری کشورها و جهانی شدن تجارت می باشد.

در چنین فضایی، بدون شک قابلیت کشورها برای توسعه و پیوند با اقتصاد جهانی و ادغام در نظام حقوقی - تجاری بین المللی، غیرقابل انکار است. مهم این است که کشورها با درک فضای حاکم بر جامعه چندقطبی بین المللی و تجارت جهانی، این قابلیت ها را مثل برخی از کشورهای هم تراز به منصفه ظهور برسانند. در

چنین فضای، بدون شک قابلیت کشورها برای توسعه و پیوند با اقتصاد جهانی و ادغام در نظام حقوقی - تجاری بین المللی، غیرقابل انکار است. مهم این است که کشورها با درک فضای حاکم بر جامعه چندقطبی بین المللی و تجارت جهانی، این قابلیت ها را مثل برخی از کشورهای هم تراز به منصفه ظهور برسانند. در



گزارشی از روند لایحه آزادسازی قیمت انرژی و تأثیر آن بر نرخ تورم آتی کشور از زبان حجت‌الاسلام غلامرضا مصباحی مقدم، رییس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی

تورم در سال جدید

تورم ۳۰ درصدی ۸۸

برابر میزان فعلی برسد، کشور نیازمند رشد اقتصادی ۸ درصدی خواهد بود و حال آن که متوسط رشد اقتصادی ایران در فاصله سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۴ کمتر از ۲/۳ درصد بوده است. افزایش چنین رشدی نیازمند تغییر ساختارهای اقتصادی و تجاری کشور خواهد بود. از طرفی، یکی از شاخص‌های عمده مؤثر در رتبه‌بندی کشورها، جذب سرمایه‌گذاری خارجی است. در سال ۲۰۰۵ در حالی که چین با ۶۰ هزار و ۴۲۷ میلیارد دلار در رتبه سوم جهان قرار داشت، ایران با رقم ۳۰ میلیون دلار از این حیث در رتبه ۱۳۰ قرار گرفت. در همین سال ترکیه ۲۲۳ برابر و امارات متحد عربی ۴۰۰ برابر ایران سرمایه خارجی جذب کرده‌اند. مقایسه این ارقام نشان می‌دهد که ایران از نظر سرمایه‌گذاری خارجی، دارای اقتصادی بسته است و به طور طبیعی، چنین اقتصادی نمی‌تواند در فرایند مبادله دانش فنی، فن‌آوری اطلاعات و تکنولوژی قرار گیرد.

در ارتباط با جایگاه ایران در عرصه تجارت جهانی، این نکته جلب توجه می‌کند که سهم ایران در تجارت جهانی در سال‌های اخیر به شدت کاهش یافته است. به عنوان نمونه، سهم ایران در صادرات کالاهای جهانی، به رغم لحاظ شدن نفت و گاز، از ۶/۹ درصد در سال ۱۹۹۹ به کمتر از ۵ درصد در سال ۲۰۰۰ و ۴ درصد در سال ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ رسیده است. کشورهای کره جنوبی، سنگاپور، اندونزی و مالزی که پیش‌تر سهمی کمتر یا مساوی با ایران داشته‌اند، از سال ۲۰۰۰ تاکنون بیش از ۱۰ تا ۱۵ درصد از صادرات کالای جهان را به خود اختصاص داده‌اند. در قلمرو واردات کالا و تجارت خدمات نیز سهم ایران در مبادلات جهانی، کمتر از این کشورها می‌باشد.

در فاصله بین سال‌های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۷ رتبه ایران در تجارت جهانی بین ۶۰ کشور جهان در جایگاه ۵۸ بوده است. ایران در بین کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در رتبه هفتم و پس از کشورهایی چون، آفریقای جنوبی، مصر، عربستان، الجزایر و نیجریه بوده است. گفتنی است اگر کشور ما بخواهد یک درصد از صادرات جهان را در اختیار بگیرد، باید سالانه، رقمی نزدیک به ۷۰ میلیارد دلار صادرات داشته باشد. در نهایت باید گفت اگر بنا بر آن باشد که ایران در یک افق ۲۰ ساله از جایگاه موجود در تجارت جهانی، به سهم عادلانه معقولی دست پیدا کند - به عبارت دیگر بر اساس سهم ۱/۴ درصد از جمعیت جهانی معادل ۱/۴ درصد صادرات جهانی را به خود اختصاص دهد - بدون شک باید رشد صادرات خود را طی این ۱۶ سال باقیمانده، به صورت مستمر به بیش از ۱۸ درصد افزایش دهد تا بتواند به رقم ۲۰۰ میلیارد دلار صادرات در سال دست یابد. با این حال، آمار و ارقام همچنان از فاصله قابل توجه ایران با استانداردهای جهانی حکایت دارند. شایسته است مسئولان نظام، اقتصاد، تجارت جهانی و روند رو به رشد آن را باور کنند و قابلیت‌ها را به منصفه ظهور برسانند. ان شاء الله. ■

زمانی ۲ یا ۳ ساله نیز امید می‌رود که قیمت نفت افزایش یابد، چراکه بحران جهانی تا آن زمان فروکش خواهد کرد.

مصباحی مقدم همچنین با اشاره به اصلاح قیمت حامل‌های انرژی در سال آینده خاطر نشان کرد: «نکته‌ای که در خصوص این اصلاحات باید به آن توجه شود این است که قیمت حامل‌های انرژی در سال آینده افزایش پیدا می‌کند و این امر به طور مستقیم باعث می‌شود تا مصرف‌کنندگان مجبور به پرداخت قیمت‌های بیشتری شوند، اما همین افزایش قیمت، به طور غیرمستقیم موجبات کاهش و بهینه‌سازی مصرف انرژی در کشور را فراهم می‌کند، چراکه افزایش قیمت، مصرف‌کنندگان را ناگزیر به طی مسیر صرفه‌جویی خواهد کرد.»

وی تأکید کرد: البته تدابیری اندیشیده شده تا از بخش‌های صنعت، کشاورزی و حمل‌ونقل در شرایط افزایش قیمت حامل‌های انرژی، حمایت‌های ویژه به عمل آید تا تولید کاهش پیدا نکرده و آمار بیکاری افزایش نیابد. به این ترتیب که درآمدهای حاصل از افزایش قیمت حامل‌های انرژی، به این سه بخش تزریق می‌شود تا صنعت بتواند خودش را بازسازی کند. حمل‌ونقل نیز بخشی از افزایش قیمت‌ها را جبران نموده و قیمت محصولات در بخش کشاورزی رشد سریعی نداشته باشند.

رییس کمیسیون اقتصادی مجلس گفت: اگرچه قیمت کالاهایی که متکی به مصرف انرژی‌اند و حمایت هم نمی‌شوند تا حدی افزایش پیدا می‌کند، اما تصور این است که رشد تورم را از ناحیه اصلاح قیمت حامل‌های انرژی در سال آینده به همراه کاهش تورم از ناحیه کاهش تزریق نقدینگی داشته باشیم و به این ترتیب، این دو همدیگر را خنثی می‌کنند. مصباحی مقدم همچنین پیش‌بینی تورم بین ۳۱ تا ۳۳ درصدی دولت را تأیید و ابراز امیدواری کرد: «در صورتی که تورم امسال (۸۷) در میزان فعلی ثابت بماند، سال آینده نسبت به امسال رشد سریع و جهشی را شاهد نخواهیم بود. حتی در صورت کاهش نقدینگی، میزان تورم می‌تواند از ۳۰ درصد هم پایین‌تر باشد، چراکه عمده تورم ما در دهه‌های اخیر، ناشی از تزریق نقدینگی بوده است. پس اگر پیش‌بینی کاهش نقدینگی در سال آینده محقق شود، تورم به دنبال آن کاهش پیدا می‌کند.» ■

غلامرضا مصباحی مقدم، رییس کمیسیون اقتصادی مجلس در گفت‌وگو با ماهنامه «اقتصاد ایران» در خصوص وضعیت اقتصادی کشور در سال ۸۷ گفت: «نکته قابل توجه در سالی که گذشت، این بود که بحران اقتصاد جهانی - با وجودی که بر اقتصاد ما بی‌اثر نبود - در بین کشورهای منطقه کمترین اثر منفی را در ایران برجای گذاشت.» وی افزود: به ویژه کمترین اثر را بازار سرمایه کشور از این بحران اقتصادی متحمل شد، اما با توجه به رکود حاکم بر جهان، میزان تقاضای بین‌المللی نفت پایین آمد که در نتیجه، قیمت نفت کاهش قابل ملاحظه‌ای داشت و این موضوع بر اقتصاد کشور تأثیر گذاشت.

رییس کمیسیون اقتصادی مجلس تصریح کرد: این کاهش به معنای همراه بودن اقتصاد کشور با دشواری در سال آینده است که باید برای آن تدبیری بیاندیشیم تا اقتصاد ایران کمترین اثر را در سال آینده از بحران مالی بپذیرد.

آقای مصباحی مقدم در خصوص فعالیت‌های انجام شده برای کاهش تأثیرات منفی کاهش قیمت نفت بر اقتصاد کشور در سال آینده اظهار کرد: «برای جلوگیری از اثرات منفی این مسأله، بودجه عمومی دولت برای سال آینده تا حدی انقباضی در نظر گرفته شده و اتکای به نفت به صورت قابل توجهی کاهش پیدا کرده است.»

وی توضیح داد: یکی از بزرگترین صدمه‌هایی که در دوده اخیر بر اقتصاد ایران وارد آمده، تزریق دلارهای نفتی بوده است. اما از سال آینده دلارهای نفتی کاهش پیدا کرده و به دنبال آن صدمه‌های ناشی از تزریق آن نیز کاهش پیدا می‌کند و می‌توان این مورد را به عنوان جنبه مثبت قضیه مطرح کرد.

وی در مورد احتمال عدم افزایش قیمت دلار در سال آینده توضیح داد: ذخایر دلاری ما برای ۳ سال آینده کافی خواهند بود. از سوی دیگر، درآمدهای ناشی از انرژی نفت نیز با همین قیمت فعلی آن از پیش‌بینی‌های برنامه چهارم بیشتر است. پس نتیجه می‌گیریم قیمت دلار ثابت خواهد ماند.

رییس کمیسیون اقتصادی مجلس همچنین ادامه داد: ذخایر طلای کشور برای پشتیبانی از منابع پولی تا ۲ سال آینده کافی است و مشکلی تا آن زمان نخواهیم داشت. پس تقاضای ارز و طلا به صورت کافی از سوی بانک مرکزی پاسخ داده خواهد شد و بعد از یک بازه